

روزگار کرونا

تأملاتی فرهنگی درباره
کرونا و ویروس

مجموعه مقالات، گفت‌وگو و یادداشت‌ها

ناشر: فو‌هی
استادشناسی دانشگاه تهران



آبی پارس
پل نهر

فهرست

پیشگفتار

۷

فصل اول: وقتی فاجعه از راه رسید

۱۵

کرونا ویروس: مصیبتی بیولوژیک یا اجتماعی؟

۲۱

کرونا: طوفانی در راه است. خطر را جدی بگیریم!

۲۵

از «شرق» تا «غرب» کرونا

۳۵

ما و بحران کرونا

۴۹

تجرباتی از جهان و ما از کرونا

۵۵

در مسیر بحران‌های سخت

۶۷

مرزهای ناپدیدشده جهانی شدن و کرونا

۸۱

کرونا و اولین انقباض شهری

فصل دوم: جهان پس از کرونا

۹۱

کرونا و جهان پس از کرونا

۱۰۳

کرونا و جهان آینده

۱۱۵

علم و جهان پساکرونا

۱۲۵

جهان پساکرونا: سناریوهای روشن‌رنگ

۱۳۵

آرزوهای کوچکی برای جهان پس از کرونا

۱۴۱

کرونا و آینده جنبش‌های اعتراض مدنی

۱۵۱

تهدیدهای اجتماعی کرونا ویروس

فصل سوم: تأملات کرونا

۱۵۹

دولت کوچک، کرونا بزرگ

۱۶۳

کرونا: روایت آخرالزمانی

۱۶۷

نگاهی اجمالی به ژئوپلیتیک کرونا

فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از جامعه شکار و گردآوری تا

۱۷۳

کشاورزی

۱۷۹

فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از روستانشینی تا شهر صنعتی

۱۸۵	فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از شهر صنعتی تا شهر اطلاعاتی
	فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: از شهر اطلاعاتی تا شهر هوش
۱۹۱	مصنوعی
۱۹۷	فاصله‌گذاری و اپیدمی‌ها: شهر هوش مصنوعی
۲۰۳	آخرین بومیان جهان
۲۰۹	سخن آخر: صورتک‌های بی‌چهره، دست‌های بی‌پوست
۲۱۳	نمایه

پیشگفتار

سال‌ها بود که بساط از متخصصان و دانشمندان از علوم طبیعی تا محیط زیست و علوم اجتماعی و انسانی و حتی نویسندگان داستان‌ها و رمان‌های تخیلی و فیلم‌سازان انتظارش را می‌کشیدند. حالا همه می‌دانستند روزی و نه فقط یک روز و یک بار- فاجعه از راه می‌رسد؛ فاجعه‌ای که ممکن است گونه انسانی را رو به نابودی بکشانند. فاجعه‌ای که محتمل است محیط زیست را برای نه فقط انسان‌ها بلکه بسیاری از موجوداتی که جهای زمین زیبا را ساخته‌اند نیز غیرقابل زیستن کند. پزشکان و متخصصان بیماری‌های ریوی و کیردار بر تجربه چند هزار ساله از تاریخ این بیماری‌ها تأکید می‌کردند و تجربه بزرگ‌ترین فاجعه قرن بیستم؛ یعنی «آنفلوآنزای اسپانیایی» که یک سوم کل جمعیت کره زمین به آن مبتلا و بین بیست تا پنجاه میلیون (با برآوردهایی تا صد میلیون) نفر کشته شدند. فعالان زیست‌محیطی سال‌ها بود هشدار می‌دادند روند خشونت‌آمیزی که انسان در مصرف بی‌رویه و هولناک خود پیش گرفته، دیر یا زود فجایع بزرگی را به بار می‌آورد و تا همین امروز نیز تغییر شدید اقلیم، گرم شدن دمای هوا، آب شدن یخ‌های قطبی، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، فرونشستن

زمین، رخ دادن زلزله‌ها و گردبادهای مهیب و... نشانه‌هایی هستند که می‌توانند یا به فاجعه‌ای بسیار بزرگ‌تر و به یکباره برسند یا با تکرار هرچه بیشتر و با فواصل کوتاه‌تر میان هر کدام از آن‌ها، نتایجی هولناک برای همه به بار بیاورند. سال‌های سال بود که جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، جمعیت‌شناسان و دست‌اندرکاران علوم اجتماعی و انسانی هشدار می‌دادند که انسان چشم‌پسته با شتابی دیوانه‌وار در بن‌بستی به پیش می‌تازد که انتهای آن جز مرگ و نیستی انتظارش را نمی‌کشد. لکن در همه این سال‌ها، نه گوشی شنوا برای این هشدارها بود و نه چشمی بینا برای دیدن سبب‌هایی که در همه‌جا خود را نشان می‌دادند.

در بیان محصلان، حتی اقتصاددانان که بنا بر ماهیت رشته خود بسیار به محافل قدرتی نزدیک بودند، اندیشمندانی چون جورج استیگلیتز^۱ و پل کروگمن^۲ و متخصصان توسعه که در عین حال انسان‌شناس نیز بودند، نظیر آرتورو اسکوبار^۳ و والتر مینیول^۴ و هشدار می‌دادند که نابرابری تا به این اندازه و زیاده‌خواهی در رفاه تا به این حد، دیر یا زود، سرنوشت انسان‌ها را که خواهی نخواهی با فرآیندی بیش از پانصد سال «جهانی‌شدن» سرنوشتی «سیاره‌ای» شده است، چنان به هم پیوند داده که دیگر نمی‌توان در یک سو کشورها را ثروتمند و بدون هیچ مشکل رفاهی را داشت و در سوی دیگر، کشورهای توسعه‌ناقصه را آکنده از همه مشکلات عالم را. آن‌ها هشدار می‌دادند که باید به سوی جوامع برابر و با مدیریت بهتر و مهار بیشتری در زیاده‌خواهی‌های توسعه‌ای انسان‌ها پیش رفت. آن‌ها با تمام استدلال‌های عالم تلاش داشتند به صاحبان قدرت و ثروت در جهان بجهانمند که مهاجرت، ابتدا گسترده و سپس قطره‌چکانی، که در قرون شانزده تا بیستم به آن همچون یک راه حل معجزه‌آسا برای توسعه فکر می‌شد، دیگر جواب نمی‌دهد و جوامعی به شدت متکثر را به وجود خواهد آورد که آستان خوشونت‌ها و بحران‌های

1. Joseph Stiglitz

2. Paul Krugman

3. Arturo Escobar

4. Walter Mignolo

هویتی هرچه بزرگ‌تر خواهند شد. این متخصصان هشدار می‌دادند که اگر در دوران استعمار و تا نیمه قرن بیستم، بسیاری از سیاست‌مداران و اقتصاددانان در خدمت آن‌ها، «جنگ» را ابزاری برای ایجاد تعادل در قدرت‌های جهانی و دوران پس از آن را زمینه‌ای مناسب برای «سازندگی بزرگ» و در نتیجه موتوری برای توسعه می‌دیدند، از قرن بیست و یکم، نه جنگ‌ها دیگر به جنگ‌های پیشین شباهتی خواهند داشت و نه اثرات کوتاه و درازمدت آن‌ها، اما گوش‌های قدرت، ناگهانی و چشم‌هایش نابینا بودند.

و سرانجام کرونا از راه رسید؛ ویروسی که اگر آن را با هر اپیدمی بزرگ دیگری در تاریخ بشر مقایسه کنیم، ابعاد هولناک، آن‌قدرها که ممکن است تصور شود، نداشته است؛ به‌گونه‌ای که اگر در تنش‌های قومی و منطقه‌ای و جنگ‌های استعماری و نواستعماری در پنجاه سال اخیر، میلیون‌ها نفر کشته و چند ده میلیون آوار شده‌اند، ابعاد فاجعه‌بار کرونا بسیار کم‌تر است. اما کرونا استثنایی بود، دقیقاً به دلایل تغییر استرده‌ای که در ژئوپلیتیک جهان ایجاد کرد و به خاطر عقب‌گرد دموکراتیجی که امروزه در سراسر دنیا شاهدش هستیم. در سال‌های پیش رو نیز چنین خواهد بود و به‌علت شتاب جنون‌آمیز روندهای مهاجرتی، پیامدهای این اپیدمی می‌تواند صدمات سنگین‌تر از همه پدیده‌هایی باشد که در ذهن داریم. با وجود اینکه هنوز در کشور و کشورهای جهان حتی به اوج گسترش بیماری در موج اولش نرسیده‌ایم؛ چشم‌انداز نصیبت‌های بزرگی در نیم‌کره جنوبی (هندوستان، چین، آفریقا و آسیا) پیش‌ریزان است و یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی از سقوط گسترده اقتصاد در بیش از نیمی از جهان و یکی از خطرناک‌ترین بحران‌های گرسنگی در تاریخ بشر محسوب می‌شود. این‌ها دیگر خیال‌پردازی‌هایی نبودند که بسیاری از داستان‌نویسان و فیلم‌سازان قرن بیستم بر کاغذ یا پرده سینما برده باشند، بلکه واقعیاتی بودند که همه چیز را از کار انداختند؛ قطارها، هواپیماها، اتومبیل‌ها متوقف شدند و مردم، همگی مجبور به حبس در خانه‌هایشان شدند و حتی مجبورند تا روزی که درمانی واقعی

پیدا نشود، از یکدیگر فاصله‌ای غیرانسانی بگیرند و مهم‌ترین عامل هویتی میلیون‌ساله خویش؛ یعنی چهره‌هایشان را نیز پشت پرده‌ای (ماسک) بپوشانند. اما چهره زشت کرونا، آینه‌ای بیش نبود و نیست که در برابر بدکرداری‌های گسترده انسان‌ها گرفته شده است و معلوم نیست چه زمانی به پایان برسد. اگرچه امروز اغلب متخصصان بر این باورند که این ویروس، شاید در فاصله‌ای کمتر از یک سال دیگر درمانی بیابد، اما همه بر این نکته نیز تأکید دارند که نه فقط صدها بلکه هزاران ویروس خطرناک‌تر از این ممکن است بار دیگر از راه برسند. همچنین آن‌ها نسبت به سایر خطرات از جمله خطرات نابسامانی‌های حاصل از این بیماری هشدار می‌دهند. امروز که این خطوط را می‌نویسم بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی تاریخ بشریت؛ ایالات متحده نیز به موقعیتی رسیده که در بیشتر ایالات آن در برابر شورش‌های مردمی، حکومت نظامی برقرار کرده و تقریباً یک‌سوم نیروی کار آن، بکار شده و شاهد صحنه‌هایی است که بیش از نیم‌قرن نظیر آن‌ها را ندیده است و این وضعیتی است که شاید در همه جهان تجربه شود. هم از این رو بود که از ابتدای کار، این ویروس، همچون قطره‌ای که لیوان را سرریز می‌کند، وضعیتی به وجود آورد که همان متخصصانی که در بالا نام بردیم قلم به دست گرفتند و این بار با تلاش صادقانه، نه فقط هشدارهای خود را نسبت به خطرات پیشین و آتی آن یادآور شدند، بلکه به خصوص سعی کردند موقعیت کنونی را نیز در گرماگرم آن تحلیل کنند؛ زیرا مسئله دیگر نه صرفاً بر سر یک اپیدمی، بلکه بر سر بقای عمومی و درازمدت انسان به نابه‌حال نوع در جهان بود و هست.

کتاب حاضر را نیز باید یکی از این تلاش‌ها دانست. نوشته‌هایی که در این کتاب گرد آمده‌اند، مجموعه دخالت‌های رسانه‌ای و دانشگاهی و فکری هستند که من در طول چند ماه گذشته و عمدتاً در فاصله اسفند ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۳۹۹ درباره کروناویروس از زاویه دید علوم اجتماعی، در رسانه‌ها و نشریات منتشر کرده‌ام. گردآوری این نوشته‌ها و مکتوب کردن و تصحیح گفتارهای شفاهی که

برای این کتاب انجام شده با هدف مستندسازی و قابل استناد شدن این گفتارها صورت گرفته است. بی شک این نیاز در ماه‌ها و سال‌های آینده، تحلیل‌گران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی و دیگر متفکران علوم انسانی را نیز به میدان می‌کشد و بدین ترتیب معیارهای جدیدی برای تحلیل‌های بهتر نیز به وجود خواهند آمد. آنگاه می‌توان به وقایع و مسائل امروز بازگشت و آن‌ها را دوباره مرور و تحلیل کرد تا به نتایج مفیدتری برای جامعه رسید. اهمیت این نوشته‌ها در آن است که شرایط امروز را از درون و در یکی از مراکز اصلی بروز و گسترش این پیمایش مرگبار در خود جمع کرده است. آرزوی ما آن است که خوانندگان این مجموعه بتوانند بر این رویکرد برسند که بدون تغییر سبک زندگی، در سطح سیاره‌ای، امکانی برای نجات انسان‌ها از سرنوشت محتومی که برای خود رقم زده‌اند وجود ندارد. در پایان از همه دوستان، روزنامه‌نگاران، اندیشمندان، دانشجویان، همکاران، معرّم‌نشر آبی پارس و انتشارات انسان‌شناسی که انگیزه‌ای برای نوشتن این مطالب بودند و سپس در تکمیل و خوانش و دادن مشورت‌های بسیار پرارزش پیش از انتشار به نویسنده کمک کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

ناصر فکوهی

هم خرداد ۱۳۹۹